

سیاست فرهنگ در دانشگاه ایرانی

رویکردی فرهنگی به آموزش عالی

دکتر ضیاء هاشمی



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سياست فرهنگ در دانشگاه ايراني رويكردي فرهنگي به آموزش عالي

يحيى هاشمي (عضو هيئت علمي دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشكده مطالعات فرهنگي و اجتماعي

طرح جلد: هاج قرباني

چاپ اول: ۱۳۹۶

تيراژ: ۱۰۰

قيمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۰۴-۲

نشاني: تهران، خيابان پاسداري، خيابان شهيد بومن نژاد (گلستان يكم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سايت: www.iscs.ac.ir

پست الكترونيكي: in@iscs.ac.ir

كليۀ آثار اين پژوهشكده در جهت ايجاد مسأله، آزاد علم و نظر، حصي نويسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تاييد پژوهشكده نيست.

سرشناسه: هاشمي، سيدضياء، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پديدآور: سياست فرهنگ در دانشگاه ايراني؛ رويكردي فرهنگي به آموزش عالي / سيدضياء هاشمي.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشكده مطالعات فرهنگي و اجتماعي، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهري: ۳۴۵ ص.

شابك: 978-600-8905-04-2: ۱۸۰۰۰۰ ريال

موضوع: آموزش عالي — ايران

Education, Higher-- Iran: موضوع

موضوع: سياست فرهنگي — ايران — آينده‌نگري

Cultural policy -- Iran -- Forecasting: موضوع

موضوع: دانشگاه‌ها و مدارس عالي — ايران — برنامه‌هاي فرهنگي

Universities and colleges --Iran-- Cultural programs: موضوع

شناسه افزوده: پژوهشكده مطالعات فرهنگي و اجتماعي

رده‌بندي كنگره: ۱۳۹۶ س ۹ / ۱۳۵۳ LB

رده‌بندي ديويي: ۳۷۸/۵۵

شماره كتابشناسي ملي: ۴۸۸۰۷۲۳

فهرست

۷	دیباچه پژوهشکده
۹	مقدمه
	بخش اول: فرهنگ دانشگاه
۱۷	فرهنگ دانشگاهی
۲۷	دانشگاه و فرهنگ جامعه
۳۷	دانشگاه و تعالی فرهنگ
۴۳	فرهنگ جهادی در دانشگاه
۵۳	فرهنگ دانش‌پرور
۶۳	اعتدال و سیاست فرهنگ دانشگاهی
۷۳	امید در فرهنگ دانشگاهی
۷۵	دانشگاه به‌عنوان سرمایه اجتماعی
۸۹	اقتضائات رسالت اجتماعی دانشگاه
۹۵	دانشگاه، قانون‌مداری و تحولات دانشگاهی
۹۹	علم، فرهنگ و بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در ایران

۶ / سیاست فرهنگ در دانشگاه ایرانی...

بخش دوم: فرهنگ نقد در دانشگاه

۱۰۹	تکثر و نقد در فرهنگ دانشگاهی
۱۱۷	بینش، معرفت و بصیرت دانشجویان
۱۲۱	معلمی و مسئله پرورش در دانشگاه
۱۳۵	علم و فرهنگ علمی
۱۳۹	بسترهای مشارکت در فرهنگ دانشگاهی
۱۴۵	مبانی آزادی‌اندیشی

بخش سوم: دانشگاه و توسعه

۱۵۷	دانشجو، دانشگاه و تغییرات فرهنگی
۱۶۵	دانشگاه، سکولاریسم، فرهنگ و اقتصاد
۱۸۱	دانشگاه و توسعه
۱۹۱	دانشگاه و نهاد
۲۰۱	دانشگاه و علم کاربردی

بخش چهارم: اخلاق، دین و دانشگاه

۲۰۷	علم و دین
۲۱۳	فرهنگ قرآنی در دانشگاه
۲۱۹	استاد مطهری: الگوی معلمی
۲۲۹	دریاب دانشگاه اسلامی
۲۳۳	منزلت علم و عالم
۲۳۹	منزلت استاد و دانشجو
۲۴۷	حجاب و ارزش‌های فرهنگی
۲۵۷	نهاد حراست و فرهنگ دانشگاه
۲۶۱	علم و صلح
۲۶۹	آموزش عالی و جهان عاری از خشونت
۲۷۱	اخلاق و حقوق دانشجویی

بخش پنجم: کارگزاران فرهنگی و جشنواره‌های فرهنگی

۲۸۱	جشنواره‌های دانشگاهی و سیاست فرهنگی و علمی در دانشگاه
۲۸۷	فعالیت‌های هنری دانشجویان
۲۹۵	نشریات: رسانه‌های فرهنگ دانشگاهی
۳۰۷	رسانه، دانشگاه و سرمایه اجتماعی
۳۱۳	دشواری‌های کار فرهنگی در دانشگاه
۳۱۹	کارشناسی و مدیریت فرهنگی در دانشگاه
۳۳۵	نماینده

مقدمه

نهاد دانشگاه ریشه در جهان باستان و تاریخ گذشته دارد؛ اما صورت‌بندی متاخر آن طی چند قرن اخیر و به ویژه در جهان مدرن سبب شده است تا دانشگاه یکی از نهادهای اصلی مدرنیته و محل تعامل میان دانش، فرهنگ و جامعه باشد. نهاد دانشگاه در جهان جدید، به منزله تولیدکننده و متحول‌کننده دانشی است که می‌توان آن را به مثابه علم و هم به مثابه فرهنگ در نظر گرفت. عموماً وجه تخصصی و نیمه دانشگاه مورد توجه و تمرکز بوده و اغلب به دانشگاه به مثابه نهاد تولید علم تخصصی و متخصص حرفه‌ای تاکید شده است.^۱ مطالعات اخیر نشان می‌دهد که دانشگاه واسطه و محل تعامل و ترکیب دانش تخصصی و سبب‌های فرهنگی جامعه است. از این منظر، دانشگاه نهادی فرهنگی است که از سوی دیگر دانشگاه به مثابه نهاد متولی جامعه‌پذیری شهروندان، علاوه بر کارکرد جامعه‌پذیری علمی، نقشی کلیدی در تربیت شهروندان آینده جامعه و متولیان آن دارد. به همین سبب دانشگاه در امتداد مدرسه یک نهاد کلیدی

۱. دلانتی، جرارد (۱۳۸۶) دانش در بحال، علمی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

در تولید و توسعه فرهنگ جامعه است. اما با وجود اهمیت وجه فرهنگی دانشگاه، همچنان کاربرد مفهوم فرهنگ و رویکرد فرهنگی به آموزش عالی و دانشگاه ابهام خاص خود را دارد.

حداقل می‌توان در سه سطح از مفهوم فرهنگ و رویکرد فرهنگی برای رسی و تحلیل دانشگاه استفاده کرد که عبارتند از ۱- در یک تلقی وسیع، می‌توان دانشگاه را به مثابه یک نهاد فرهنگی در کنار سایر نهادهای فرهنگی جامعه در نظر گرفت که البته در سطوح عالی و بالاتری به تولید و توزیع فرهنگ می‌پردازد. ۲- در یک تلقی محدودتر، می‌توان از خرده‌فرهنگ‌های درونی دانشگاه صحبت کرد، فرهنگ گروه‌های علمی و فرهنگ رشته‌ای، فرهنگ دانشکده و پردیس‌ها و حتی سنت‌های فرهنگ ملی دانشگاه، هر کدام به نوبه خود بخشی از فرهنگ دانشگاه را می‌سازند. ۳- در تلقی خاص‌تر می‌توان از رویکرد فرهنگی و مفهوم فرهنگ برای فهم و بررسی علوم و معرفت‌شناسی دانش استفاده کرد.^۱ همه این تلقی‌ها بیانگر آن است که دانشگاه را می‌بایست در رابطه با فرهنگ درک کرده و در همین رابطه برای آن سیاست‌گذاری کرد. به عبارت دیگر وجه فرهنگی، بیانگر وجوه بنیادین نهاد دانشگاه است و آن را بدون توجه به این وجه، نمی‌توان فهمید.

دانشگاه، در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد و عمل می‌کند؛ اما در نهایت رسالتی فرهنگی دارد. تقلیل نقش دانشگاه به یک نهاد تخصصی تولید علم و کارشناس، نه تنها درکی ناقص از این نهاد است؛ بلکه موجب انحراف و کژکارکردی این نهاد خواهد شد. آموزش عالی، نهادی است که در کنار نقش تعلیمی و آموزشی، متولی نقش تربیتی نیز هست. و چه بسا نقش تربیتی و فرهنگی دانشگاه مهم‌تر از نقش صرفاً علمی آن باشد. دانشگاه جایی است که در آن انسان‌ها فرصتی برای تحقق خویش، تعالی وجودی و کسب فضیلت‌ها

۱. ولیم، جویس و ایلکوک، اوپلی هلنا (۱۳۹۵) چشم‌اندازهای فرهنگی آموزش عالی، محمد صفار، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دارند. به همین دلیل دانشگاه در غایت خویش، به دنبال توسعه و ارتقای فرهنگی است. توجه بیش از حد به وجه تخصصی و کارشناسی علم و دانشگاه، سبب غفلت از وجوه مهم فرهنگی و تربیتی آن شده است. این مسئله را نه تنها در دانشگاه های ایران؛ بلکه در دانشگاه های سراسر جهان می توان به اشکال مختلف دید. هری لوئیس برحسب تجربه خود در دانشگاه هاروارد و در نقد عملکرد امروزی دانشگاه، اینگونه می نویسد:

این کلام اینکه دانشگاه ها نقش تربیتی خود را در قبال دانشجویان فراموش کرده اند. امروزه دانشگاه ها بهتر از همیشه در قالب تولیدکننده و مخزن دانش عمل می کنند، ولی فراموش کرده اند وظیفه بیادآموش برای دانشجویان این است که ... در رشدشان کمک کند تا دریابند چه کسی هستند و کمک شان کند تا هدف بزرگتری را برای زندگی شان جستجو کنند، تا در نهایت هنگامی که کالج را ترک می کنند به انسان های بهتری تبدیل شده باشند. پس در کل می توان گفت هدف تعالی علمی چنان بر نقش تربیتی دانشگاه ها سایه انداخته که این نکته فراموش شده این دو هدف [مکمل هم بوده] و با هم ضدش می یابند.^۱

تجربه های جهانی و محلی بیانگر آن است که دانشگاه در هر صورت یک نهاد فرهنگی است و غفلت از وجه فرهنگی یک مداخله ناپذیر در آن، جامعه را از ظرفیت بالقوه عظیمی برای رشد و توسعه محروم می کند و گاه سبب آسیب دیدن جامعه نیز می شود.

در ایران مدرن نیز رویکرد فرهنگی به دانشگاه به صورت آگاهانه مورد توجه بوده است. تأسیس دانشگاه مدرن در ایران با هدفی فرهنگی؛ یعنی رشد و توسعه فرایند ملی سازی همراه بود و بعد از انقلاب اسلامی هم در خدمت

۱. لوئیس، هری (۱۳۹۶) نگاهی انتقادی به دانشگاه هاروارد، مرتضی مریدیها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

اهداف و ارزش‌های انقلاب و دین تعریف شد. در هر حال، تاسیس و توسعه دانشگاه در ایران فراتر از کارکردهای علمی و تولید متخصص در آن، یک سیاست فرهنگی برای توسعه اجتماعی و فرهنگی بوده است. مدل این سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی ایران، از بالا به پایین و در نهایت از روی یک صدایی بر آن حاکم بوده است. از همان آغاز دانشگاه محل ترویج میراث فرهنگی، داشته‌های فرهنگی امروزی و افق‌های فرهنگی آینده بود است. وجه فرهنگی در نهاد دانشگاه ایرانی، به‌طور صرف یک وجه توصیفی و معنایی جامعه‌شناختی نبوده؛ بلکه درکی ایجابی، ارزشی و نخبه‌گرایانه از فرهنگ وجود داشته و در هر دوره‌ای ذیل فرهنگ مطلوب و آرمانی در سیاست‌گذاری رسمی و غیررسمی در دانشگاه ایرانی دنبال شده است. به همین جهت سیاست فرهنگ در دانشگاه؛ یعنی نزاع و تعامل میان گفتمان‌های مختلف گروه‌های گوناگون بر سر تعریف فرهنگ مطلوب و آرمان‌های نهاد دانشگاه، در جریان بوده است. این جریان پویای فرهنگ‌های دانشگاهی در ایران، بخشی از حیات خردخانه دانشگاه ایرانی به‌مثابه یک نهاد پیشرو و پیشگام در تولید و توسعه فرهنگ بوده است.

مدیریت فرهنگی آموزش عالی ایرانی مستلزم سیاست‌گذاری‌هایی است که از یک‌سو تعادلی میان کارکردهای فرهنگ دانشگاه و به سرآوردن جامعه ایران و نیازهای آن ایجاد کند و از سوی دیگر مانع از تقلیل تنوع خلاق فرهنگ‌های دانشگاهی به یک مدل خاص و محدود از فرهنگ شود. آنچه مهم است حفظ و توسعه چندصدایی و تکثر فرهنگی دانشگاه ایرانی است تا بتواند بستری برای رقابت و خلاقیت در زمینه فرهنگ ایرانی اسلامی و در راستای ارزش‌های متعالی جامعه و به دور از تنگ‌نظری‌های گروهی و حزبی باشد. بنابراین سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه ایرانی مستلزم حفظ این

تنوع و ایجاد فضای گفتگویی و توسعه زمینه‌های آزاداندیشی به‌عنوان شاه‌کلید رشد و خلاقیت روح فرهنگی دانشگاه ایرانی است.

در یادداشت‌ها و گفتارهای حاضر که به مناسبت‌های مختلف حسب مسئولیت اینجانب در معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در محیط‌های دانشگاهی ارائه شده، تلاش شده است دو ایده محوری برای فرهنگ دانشگاهی ایران برجسته شود: ۱- آزاداندیشی و گفتگو به‌عنوان شروط اصلی حیات پویای روح فرهنگی دانشگاه در نظر گرفته شد و ۲- تعادل خلاق فرهنگ دانشگاهی و ارزش‌های متعالی جامعه ما که براساس اسلام متجلی شده‌اند، زمینه حرکت به سمت نقطه مطلوب است. البته شروط اصلی تحقق این دو ایده، پذیرش و دفاع از استقلال نهاد دانشگاه از سایر نهادهاست. این‌ها ایده محوری بحث‌های صورت گرفته در این مجموعه است. برای فراهم کردن بسترهای توسعه فرهنگی دانشگاهی، می‌بایست آن را با رابطه‌ای مستمر با کلیت جامعه و فرهنگ ایرانی در نظر گرفت. در این رابطه نیز به شرط تحقق دو شرط فوق؛ دانشگاه ایرانی، پیشروترین نهاد برای به‌سراشت توسعه پایدار در این کشور خواهد بود و نقشی حیاتی و بی‌بدیل در رشد فرهنگی و اجتماعی ایران داشته و خواهد داشت.

پیشرو بودن آموزش عالی در توسعه فرهنگی ایران، مستلزم برخوردی انتقادی و بازاندیشانه در سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه ایرانی است، تا از یک سو قانون‌گرایی را محور فعالیت‌های دانشگاه قرار دهیم و از سوی دیگر سیاست‌زدگی و شعارزدگی را از محیط دانشگاه دور کنیم. شرط موفقیت دانشگاه ایرانی، حفظ استقلال و تضمین معیارهای فرهنگ علم و آزاداندیشی و گفتگو در آن است. این‌ها شروط حیاتی برای پویایی دانشگاه ایرانی است تا بتواند به‌عنوان نهادی فرهنگی و در رابطه با فرهنگ

کلان جامعه، برای جستجوی حقیقت و پیامدهای ضمنی آن در خدمت‌گذاری به نیازهای متعالی و حتی نیازهای مادی جامعه باشد.

این مجموعه سعی در بازتعریف فرهنگ دانشگاهی نه به‌عنوان امر فوق برنامه؛ بلکه به‌عنوان رکن اصلی و کلیدی حیات دانشگاهی در تعامل و تادل با کارکرد تولید علمی آن دارد. آنچه اهمیت دارد بازاندیشی مداوم در نقش فرهنگی دانشگاه ایرانی است. در تربیت نسل ایرانی، باید ارتباطی منطقی بین آنچه داشته‌ایم، آنچه داریم و آنچه مطلوب است که داشته باشیم، ایجاد کنیم. در این کتاب تلاش شده است تا این ارتباط در برخی زوایای فرهنگ دانشگاهی بیان و تبیین شود.

در پایان از پژوهش‌کننده مطالعات فرهنگی و اجتماعی که نقش به‌سزایی در توسعه رویکرد فرهنگی دانشگاه و آموزش عالی داشته و امکان نشر این کتاب را فراهم کردند تشکر می‌کنم. همچنین به سهم خود از همه همکارانی که جمع‌آوری این یادداشت‌ها و پیاده‌سازی گفتارها در مناسبت‌های مختلف دانشگاهی، قدر دانی می‌کنم. امید دارم رشد درک فرهنگی از دانشگاه، بستر مناسب‌تری برای تشکری فعالانه دانشگاهیان در فرهنگ ایران فراهم کند.

سید ضیاء هاشمی

دانشیار جامعه‌شناسی - دانشگاه تهران